

## ستایش و پرستش

چیزهایی وجود دارند که خدا مشتاق آنهاست و برخی چیزها هستند که ما می توانیم به او بدهیم و آن ستایش و پرستش پروردگار و پاداش همان، خداست. زمانیکه عیسی مسیح گناهان ما را بخشید و زندگی و حیات دوباره‌ای در خود به ما بخشید، ما از جانب او عشقی را دریافت کرده ایم که همان جریان شکرگزاری و پرستش خدایمان است.

یوحنا ۴: ۲۱-۲۴

<sup>۲۱</sup> عیسی جواب داد: «ای زن حرفم را باور کن: زمانی می رسد که برای پرستش «پدر» نه به این کوه رو خواهیم آورد، و نه به اورشلیم.

<sup>۲۲</sup> شما سامری ها درباره کسی که می پرستید چیزی نمی دانید، اما ما یهودی ها او را می شناسیم، زیرا نجات به وسیله یهود به این دنیا می رسد.

<sup>۲۳</sup> اما زمانی می آید، و در واقع همین الآن است، که پرستندگان واقعی، «پدر» را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. «پدر» طالب چنین پرستندگانی هست.

<sup>۲۴</sup> زیرا خدا روح است، و هر که بخوهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد».

### ۱- ستایش و پرستش چیست؟

ستایش و پرستش، تمجید کردن و تسبیح گفتن خدا به خاطر ماهیت و کارهای اوست. خدا انسان را خلق کرد چون او مشتاق دوستی و محبت است. ما در ستایش، دوستی با خدا را جستجو می کنیم و او را به خاطر وحدانیت و مطلق بودنش می پرستیم، نه به خاطر چیزهایی که او به ما خواهد داد یا کارهایی که برای ما انجام خواهد داد.

ستایش و پرستش، دارای ماهیتی پویا و معنادار است و دارای صدا، حرکت و جنبش می باشد. این ستایش و پرستش است که قابل دیدن و شنیدن است، و با فریاد، آواز، دست زدن، رقصیدن، پریدن، خندیدن، خم و راست شدن، شکرگزاری کردن، نواختن آلات موسیقی، و هم سرایی بیان می شود.

برای ستایش و پرستش، باید افکار خودخواهانه را دور بریزید و از مشکلاتتان چشم پوشی کنید. این به نفع شماست چون یک نگرش و دیدگاه جدید را به زندگی تان می دهد. انسانها به راحتی در دام دنیای کوچکی که با دست خودشان ساخته اند، گرفتار می شوند و اینگونه تصور می کنند که مشکلات آنچنان به سرعت در حال رشد کردن هستند که به مانند کوهی می مانند که بالارفتن از آن غیرممکن است. وقتی به ستایش و پرستش متوسل می شویم، در واقع خودمان را به سطح بالاتری کشیده و صعود می کنیم. جایگاه واقعی خودمان را درک می کنیم، همان جایگاهی که در کنار عیسی مسیح در بهشت برایمان تدارک دیده شده است.

افسیان ۱: ۶

پس خدا را ستایش می کنیم که تا این حد ما را دوست داشته و تا این اندازه در حق ما لطف کرده است.

## **- تفاوت بین ستایش و پرستش**

### **ستایش:**

ستایش به معنی تمجید کردن خدا به خاطر کارهای بزرگی است که برای ما انجام داده و انجام می دهد.

مزامیر ۱۰۷: ۳۱

پس آنها نیز باید خداوند را به سبب رحمتش و کارهای بزرگی که در حق ایشان انجام داده است، سپاس گویند.

مزامیر: ۱۵۰: ۲

او را به سبب کارهای عظیمش ستایش کنید! عظمت بی نظیر او را ستایش کنید.

ما خدا را سپاس می گوئیم چون خوب است و رحمتش ابدی است. ما او را به خاطر عظمتش می پرستیم. او به ما قدرت می دهد، حامی، محافظ و نگهدارنده ماست. نیازهایمان را تأمین می کند و شفادهنده ما بوده و از ما مراقبت می کند.

### پرستش

پرستش به معنی به خاک افتادن در مقابل کسی است که عظمتش وصف ناپذیر است. ما به او به خاطر این عظمتش احترام می گذاریم و در موقع پرستش، باید آرام و ملایم باشیم بنابراین در موقع رقصیدن یا جنب و جوش داشتن، نمی توان این کار را انجام داد. ما با حالت ترس آمیخته با احترام در مقابل این شأن مقدس می ایستیم و حضور او را تجربه و احساس می کنیم.

### تفاوت بین ستایش و پرستش

پرستش روش عملی استفاده از ایمان برای خلق فرصتی برای حضور در زندگی مان است. پرستش به مانند سلاحی است که به ما کمک می کند تا در مقابل دشمن بایستیم و همیشه مثل نیرو و قدرتی در مقابل دشمن عمل خواهد کرد. وقتی در حال پرستش هستیم، درست همان موقع در حال مبارزه با تاریکی می باشیم.

وقتی مشغول پرستش خدا هستیم، اصلاً نباید به شیطان توجهی کنیم. وقتی خدا را پرستش می کنیم، آنقدر به خدا نزدیک می شویم که شیطان حتی نمی تواند به ما نزدیک شود.

در پرستش، نیازی نیست که ما کار خاصی را انجام بدهیم. در پرستش، ما به روح القدس پناه برده، به آن تکیه می کنیم و او ما را به مقدس ترین مکان می برد. اگر شما برنامه های بنی هین را دیده باشید، قطعاً درک کرده اید وقتی مردم، خدا را پرستش می کردند چگونه قدرت پرستش در آنها جلوه گر می شد. در این برنامه، شما مردمی را می دیدید که دستهایشان را به طرف آسمان بلند کرده و اشک از چشمهایشان بر روی گونه ها جاری شده بود. در آن زمان، آنها در حال پرستش خدا بودند. در همان زمان خدا در میان مردم ناظر و شاهد بوده و علائم و نشانه های شفا دادن، نمایان می شود.

ما نمی توانیم بدون ستایش، پرستش را به مرحله اجرا درآوریم. وقتی دو نفر عاشق هم می شوند، شروع به صحبت با یکدیگر کرده و ویژگی های خوب و مثبت همدیگر را مورد تقدیر و تحسین قرار داده و پرستش می کنند. شیوه صحبت کردن آنها نشان می دهد که روابط عشقی آنها در حال شکل گرفتن است. همین روند در زمان برقراری ارتباط بین ما و عیسی مسیح، در اثر ستایش و پرستش، مصداق پیدا می کند.

## ستایش و پرستش در کلیسای خانگی شما

بهتر است در کلیسای خانگی تان، کسی آلات موسیقی بنوازد مثل گیتار یا سینتی سائزر یا هردو. همچنین بهتر است کسی مسئولیت هدایت گروه و پرستش را برعهده بگیرد. این شخص باید قبل از شروع مراسم، آهنگهایی را که قرار است نواخته شوند معین کند و مطمئن شود که همه با آهنگ آشنایی دارند.

مطالب گفتنی زیادی درباره خدمت پرستش و ستایش در کلیسای خانگی وجود دارد. ما بعداً به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

### **۲- هدف از پرستش و ستایش چیست؟**

هدف کلی، خدمت کردن به خداست. کلام خدا به ما می‌گوید که او را ستایش کنیم. به همین علت است که ما این کار را انجام می‌دهیم. ستایش، نوعی خدمت به خداست.

در موقع ستایش و پرستش، ما دیگر درباره خودمان و نیازها و خواسته‌هایمان فکر نمی‌کنیم بلکه غرق در اندیشیدن درباره شکوه و عظمت او می‌شویم. خدا از این که می‌بیند فرزندش او را برای خود او، نه برای به دست آوردن یا رسیدن به چیزی جستجو و طلب می‌کند، خوشحال می‌شود.

### **۳- قلب، مهمتر از سرودهای زیباست**

ستایش و پرستش تنها به موسیقی زیبا محدود نمی‌شود. البته پخش موسیقی زیبا خوب است ولی مهمترین چیز در ستایش و پرستش، قلب است.

در حالیکه این سرود را برای پادشاه می سراییم، کلماتی زیبا فکرم را پر می سازند، همچون قلمی در دست شاعری توانا زیانم آماده سرودن است.

در لوقا ۷: ۳۷ - ۳۸ درباره زنی می خوانیم که شکرگزاری خود را از عمق قلب و جان و فکر خود، بروز داد.

لوقا: ۷: ۳۷ - ۳۸

<sup>۳۷</sup> زنی بدکاره که شنیده بود عیسی در آن خانه است، شیشه‌ای نفیس پر از عطر گرانبها برداشت.

<sup>۳۸</sup> و وارد شد، و پشت سر عیسی نزد پاهایش نشست و شروع به گریستن کرد. قطره‌های اشک از روی پاهای عیسی می چکید و او با موهای سر خود آنها را پاک می‌کرد. سپس پاهای عیسی را بوسید و روی آنها عطر ریخت.

### - قربانی شدن در راه پرستش

حبقوق ۳: ۱۷-۱۸

<sup>۱۷</sup> هرچند درخت انجیر شکوفه ندهد و درخت انگور میوه نیاورد، هرچند محصول زیتون از بین برود و زمینها بایر بمانند، هرچند گله‌ها در صحرا بمیرند و آغلها از حیوانات خالی شوند،  
<sup>۱۸</sup> اما من شاد و خوشحال خواهم بود، زیرا خداوند نجات دهنده من است.

گاهی اوقات ممکن است احساس خستگی و افسردگی کرده و حس کنید که اوضاع بر وقف مرادتان نمی باشد و همه چیز در جهت نامطلوبی رو به حرکت است. در این شرایط تمایلی به پرستش پروردگار ندارید ولی همین موقع، زمانی است که باید در راه پرستش قربانی شد.

قربانی شایسته من آن است که از من سپاسگزار باشید و مرا ستایش کنید. هر که چنین کند راه نجات را به او نشان خواهم داد.

روح ما، به پرستش پروردگار تمایلی دارد ولی فکر و جسم ما، آن را دوست ندارد. بنابراین شما باید ذهنتان را در مورد پرستش پروردگار تذهیب کنید. پولس و سیلاس به زندان انداخته شدند و در آنجا با آنها بسیار بدرفتاری شد. تنها گناه و اتهام آنها این بود که کتاب مقدس را که درباره عسیی مسیح بود موعظه کرده بودند.

علیرغم همه این جریانات، آنها شروع به دعا و سرود خواندن برای پرستش خدا کردند.

#### اعمال رسولان ۱۶: ۲۲ - ۲۵

<sup>۲۲</sup> گروهی از مردم شهر نیز با آنان همدست شدند. در دادگاه لباسهای پولس و سیلاس را از تنشان درآوردند و ایشان را سخت چوب زدند.

<sup>۲۳</sup> ضربات پی در پی بر پشت برهنه آنها فرود می‌آمد. پس از ضرب و شتم فراوان، هر دو را به زندان انداختند و رئیس زندان را تهدید کردند که اگر اینها فرارکنند، او را خواهند کشت.

<sup>۲۴</sup> او نیز ایشان را به بخش درونی زندان برد و پاهای آنها را با زنجیر بست.

<sup>۲۵</sup> نیمه‌های شب وقتی پولس و سیلاس مشغول دعا و سرود خواندن بودند و دیگران نیز

به آنان گوش می‌دادند،

<sup>۲۶</sup> ناگهان زلزله‌ای رخ داد.

وقتی خدا صدای ما را که در اوج ناامیدی، او را پرستش می‌کنیم، می‌شنود، می‌داند که عاشق او هستیم و از عمق وجود و فکرمان او را می‌ستاییم.

## ۴- حالات مختلف ستایش و پرستش

### - دستهایی که به طرف آسمان بالا برده شده اند

وقتی دستهایتان را بالا می برید، احترام و تکریم را نشان می دهید. در عهد قدیم، مردم در موقع پرستش خدا، دستهایشان را بالا می بردند.

مزامیر ۶۳: ۴

و تا زنده ام تو را سپاس خواهم گفت و دستهای خود را به نیایش به سوی تو دراز خواهم کرد.

مزامیر ۱۳۴: ۲

دستهای خود را به پیشگاه مقدس خداوند برافرازید و او را پرستش کنید.

### - ما خدا را با نواختن آلات موسیقی پرستش و ستایش خواهیم کرد

یکی از آلات موسیقی که همه ما قادر به نواختن آن هستیم، یعنی دست زدن یا همان به هم کوبیدن دستها.

مزامیر ۴۷: ۱

ای مردم جهان، دست بزنید و شادی کنید! خدا را با سرودهای شاد پرستش کنید!

اگر به یک مسابقه فوتبال بروید و تیم شما برنده شود، کف می زنید، فریاد می کشید و از جا می پرید.

پس خدا که لطف عظیمی در حق ما کرده و ما را از مرگ و سلطنت قدرتهای تاریکی نجات داده است، شایسته چنین واکنش بی شائبه‌ای از سوی ماست.



مزامیر ۱۵۰: ۱-۶

خداوند را ستایش کنید.

<sup>۱</sup> خداوند را در خانه مقدسش ستایش کنید! توانایی او را در آسمانها ستایش کنید!

<sup>۲</sup> او را به سبب کارهای عظیمش ستایش کنید! عظمت بی نظیر او را ستایش کنید!

<sup>۳</sup> او را با نغمه سرنا و بربط و عود ستایش کنید!

<sup>۴</sup> او را با دف و رقص ستایش کنید. او را با سازهای زهی و نی ستایش کنید!

<sup>۵</sup> او را با سنجهای خوش صدا و قوی ستایش کنید!

<sup>۶</sup> هر که جان در بدن دارد خدا را ستایش کند. خداوند را سپاس باد!

## - ستایش خدا با رقص

مزامیر ۸۷: ۷

آن قومها سرودخوانان و رقص کنان خواهند گفت: «اورشلیم سرچشمه همه برکات و خوشی

های ماست!»

خروج ۱۵: ۲۰

پس از خواندن این سرود، مریم نبیه، خواهر هارون دف به دست گرفت و به رقصیدن

پرداخت و زنان دیگر نیز به دنبال وی چنین کردند.

دوم سموئیل ۶: ۱۴-۱۵

<sup>۱۴</sup> داود لباس کاهنان را پوشیده بود و با تمام قدرت در حضور خداوند می رقصید.

<sup>۱۵</sup> به این ترتیب قوم اسرائیل با صدای شپیورها، شادی کنان صندوق عهد را به اورشلیم

آوردند.

مزامیر ۱۴۹: ۳

با نغمه بربط و عود، رقص کنان نام خدا را سپاس گوید.

من شما را احیاء و بنا خواهم نمود؛ بار دیگر دف به دست خواهید گرفت و با نوای موسیقی

از شادی خواهید رقصید.

خدا، خود پر از شادی است و آن را ابراز می کند.

صفنیا ۳: ۱۶- ۱۷

<sup>۱۶</sup> در آن روز به اورشلیم خواهند گفت: « نترس! قوی باش!

<sup>۱۷</sup> زیرا خداوند، خدای تو که در میان توست نجات دهنده توانا می باشد. او از تو راضی

خواهد بود، و تو را دوست خواهد داشت و وجود تو مایه سرور و شادی او خواهد بود. »

### - قدرت پرستی در دعای همگانی

اعمال رسولان ۴: ۲۴ و ۳۱

<sup>۲۴</sup> آنگاه تمام ایمانداران با هم دعا کرده، گفتند: « ای خدا، ای خالق آسمان و زمین و دریا و

هرچه در آنهاست،

<sup>۳۱</sup> پس از این دعا، خانه ای که در آن بودند، تکان خورد و همه از روح القدس پرشدند و پیغام

خدا را با جرأت به مردم رساندند.

این اولین وحدانیت و یکپارچگی در اولین کلیسا در اورشلیم بود که راه را برای

حضور و پادرمیانی خدا، هموار کرد.

کلمه « باهم » در زبان یونانی " Homothymadon "، یک عبارت جالب است. این لغت

تحت عنوان « باهم، همفکر، هم احساس » تعریف می شود. ما این لغت را ۱۲ بار در عهد

جدید و ۱۰ بار در کتاب اعمال رسولان مشاهده می کنیم. این کلمه حاوی معنی

وحدانیت و یکپارچگی می باشد که در اولین کلیسا ایجاد شد. این کلمه از دو لغت با

معانی "وحدانیت" و "حرکت سریع رو به جلو" تشکیل شده است. بازنمایی آن، در قالب موسیقی نمایان می شود؛ برخی نکات که علیرغم تفاوت‌هایش، دارای هارمونی و هماهنگی می باشد. روح القدس، کسانی که وارد کلیسا شده و مشغول دعا هستند، در خود ذوب می کند درست مثل کاری که رهبر ارکستر، در اجرای موسیقی انجام می دهد.

همین کلمات در اعمال رسولان ۲ : ۱ نیز مشاهده می شود.

هفت هفته پس از مرگ و زنده شدن مسیح، روز «پنطیکاست» فرا رسید. به این روز «عید پنجاهم» می گفتند، یعنی پنجاه روز بعد از عید پِسَح در این روز یهودیان نوبر غله خود را به خانه خدا می آوردند. آن روز، وقتی ایمانداران دور هم جمع شده بودند.

یکپارچگی و وحدانیت و اتحاد در کلیسا شرایطی را پیش آورد که قدرت و عظمت بی نظیر خدا مانند بادی در میان مردم وزید.

امروز هم همین امر مصداق دارد. وقتی ما با یکپارچگی و با هم، در یک کلیسای خانگی او را ستایش و پرستش می کنیم، خدا در آنجا حضور خواهد داشت و قدرت او نمایان خواهد شد.

## ۵- پرستش واقعی، چگونه تأثیر خود را نشان می دهد؟

۱. پرستش، راه را برای حضور خدا فراهم می کند.

وقتی ما خدا را می پرستیم، حضور او را تجربه می کنیم. در آن حضور معنوی، چشم ها و گوشهای ما را برای دریافت تعالیم کلام الهی، باز می شود. کسی که کلام خدا را موعظه می کند و یا در آن سهیم می شود، عمیقاً احساس می کند که در بهای بهشت به روی او گشوده شده است.

بنابراین آغاز کردن خدمات در گردهمایی های خانگی، با پرستش قوی، بسیار مهم است.

وقتی ما این عملکردها را انجام می دهیم، به این معنی نیست که یک سری کارهای برنامه ریزی شده یا از پیش تعیین شده را انجام می دهیم بلکه به خاطر عشق ورزیدن و دوست داشتن خدا، این کارها را می کنیم. وقتی ما این کارها را می کنیم، خدا در آنجا حضور می یابد و وقتی او در آنجا حضور یابد؛ حضور او باعث از بین رفتن نگرانی ها نسبت به موضوعات مختلف می شود. فکر ما روی او متمرکز می شود.

۲. ستایش و پرستش، شما را از زندان بیرون می آورد.

ستایش در زندان.

این درست مثل همان کاری است که پولس و سیلاس در زندان انجام داده و تجربه کردند و داستان آن در اعمال رسولان فصل ۱۶ آمده است.

آنها در یک موقعیت سخت و ناگواری بودند و در آن وضعیت می توانستند بنشینند و غصه بخورند. ولی آنها کار دیگری کردند.

<sup>۲۲</sup> گروهی از مردم شهر نیز با آنان همدست شدند. در دادگاه لباسهای پولس و سیلاس را از تنشان در آوردند و ایشان را سخت چوب زدند.

<sup>۲۳</sup> ضربات پی در پی بر پشت برهنه آنان فرود می آمد. پس از ضرب و شتم فراوان، هر دو را به زندان انداختند و رئیس زندان را تهدید کردند که اگر اینها فرار کنند، او را خواهند کشت.

<sup>۲۴</sup> او نیز ایشان را به بخش درونی زندان برد و پاهای آنان را با زنجیر بست.

<sup>۲۵</sup> نیمه های شب وقتی پولس و سیلاس مشغول دعا و سرود خواندن بودند و دیگران نیز به آنان گوش می دادند،

<sup>۲۶</sup> ناگهان زلزله ای رخ داد! شدت آن به قدری بود که پایه های زندان لرزید و همه درها باز شد و زنجیرها از دست و پای زندانیان فرو ریخت!

<sup>۲۷</sup> رئیس زندان سراسیمه از خواب پرید و دید تمام درهای زندان باز است و فکر کرد که زندانی ها فرار کرده اند؛ پس شمشیرش را کشید تا خود را بکشد.

<sup>۲۸</sup> ولی پولس فریاد زد: « به خود صدمه ای نزن! ما همه اینجا هستیم! »

<sup>۲۹</sup> رئیس زندان در حالی که از ترس می لرزید خواست تا چراغی برایش بیاورند. او به ته زندان دوید و به پای پولس و سیلاس افتاد.

<sup>۳۰</sup> سپس ایشان را از زندان بیرون آورد و با التماس گفت: « آقایان، من چه کنم تا نجات یابم؟ »

<sup>۳۱</sup> جواب دادند: « به عیسای خداوند ایمان آور تا تو و تمام افراد خانواده ات نجات یابند »

<sup>۳۲</sup> آنگاه پیام خداوند را به او و اهل خانه اش رساندند.

<sup>۳۳</sup> او نیز فوری زخمهای ایشان را شست و سپس با اهل خانواده اش غسل تعمید گرفت.

<sup>۳۴</sup> آنگاه پولس و سیلاس را به خانه برد و به ایشان خوراک داد. رئیس زندان و اهل خانه او از اینکه به خدا ایمان آورده بودند، بسیار شاد بودند.

<sup>۳۵</sup> وقتی صبح شد از طرف دادگاه مأمورانی آمدند و به رئیس زندان گفتند: پولس و سیلاس را آزاد کن بروند.

<sup>۳۶</sup> او نیز به پولس گفت: شما آزاد هستید و می توانید به سلامتی بروید.

<sup>۳۷</sup> اما پولس جواب داد: « ما را در انتظار مردم زند و بدون محاکمه به زندان انداختند و حالا می گویند مخفیانه برویم! هرگز! ما از اینجا تکان نمی خوریم! چون تبعیت ما رومی است، اعضای دادگاه باید با پای خود بیایند و از ما عذرخواهی کنند! »

<sup>۳۸</sup> مأموران بازگشتند و به دادگاه گزارش دادند. وقتی شنیدند که پولس و سیلاس تابع دولت روم هستند، وحشت کردند.

<sup>۳۹</sup> پس به زندان آمدند و با التماس گفتند: « لطفاً تشریف ببرید. » و با احترام ایشان را از زندان بیرون آوردند. و خواهش کردند که از شهر بیرون بروند.

<sup>۴۰</sup> پولس و سیلاس پیش از اینکه شهر را ترک کنند، به خانه لیدییه بازگشتند تا بار دیگر مسیحیان را ببینند و برای ایشان کلام خدا را موعظه کنند.

علیرغم بروز این جریانات، آنها شروع به ستایش خدا کردند. و همین امر باعث آزادی آنها از زندان شد. ما نیز ممکن است در نوع دیگری از زندان، گرفتار و اسیر باشیم یعنی جایی که روح و ذهن ما به طور کامل سردرگم است.

ما هیچ راهی برای فرار به بیرون نمی یابیم. خداوند را ستایش و پرستش کنید. این امر شما را از زندان و از بند مشکلات، نجات خواهد داد.

۳. ستایش یک جنگ روحانی است.

مزامیر ۱۴۹: ۶-۹

<sup>۷۹۶</sup> ای قوم خداوند، با صدای بلند اورا ستایش کنید و شمشیرهای دو دم را به دست گرفته، از قومها و قبایل خدانشناس انتقام بگیرید.

<sup>۱</sup> پادشاهان و رؤسای آنها را به زنجیر بکشید.

<sup>۲</sup> و حکم خداوند را در مورد مجازات آنها اجرا کنید.

این است پیروزی و افتخار قوم او!

خداوند را سپاس باد!

خداوند پیروزی بزرگی در موقع ستایش او نصیب یهوشافاط پادشاه، بدون استفاده

از سلاح ساخت.

دوم تواریخ ۲۰ : ۱-۲۴

<sup>۱</sup> پس از چندی، قشون موآب و عمون به اتفاق معونی‌ها برای جنگ با یهوشافاط، پادشاه یهودا بسیج شدند.

<sup>۲</sup> به یهوشافاط خبر رسید که سپاهی بزرگ از آنسوی دریای مرده، از ادموم به جنگ او می‌آیند. و به حصون تمار رسیده‌اند. (حصون تمار همان «عین جدی» است).

<sup>۳</sup> یهوشافاط از این خبر بسیار ترسید و از خداوند کمک خواست. پس دستور داد تمام مردم یهودا روزه بگیرند.

<sup>۴</sup> مردم از سراسر یهودا به اورشلیم آمدند تا دعا کرده، از خداوند کمک بخواهند.

<sup>۵</sup> وقتی همه در حیاط تازه خانه خداوند جمع شدند، یهوشافاط در میان آنها ایستاد و چنین دعا کرد.

<sup>۶</sup> «ای خداوند، خدای اجداد ما، یگانه خدای آسمانها، فرمانروای تمام ممالک دنیا، تو با قدرت و با عظمت هستی. کیست که بتواند در برابر تو بایستد؟

<sup>۷</sup> تو خدای ما هستی. هنگام ورود قوم اسرائیل به این سرزمین، تو اقوام بت‌پرست را از اینجا بیرون راندی و این سرزمین را تا ابد به فرزندان دوست خود ابراهیم بخشیدی.

<sup>۸</sup> قوم تو در اینجا ساکن شدند و این عبادتگاه را برای تو ساختند،

<sup>۹</sup> تا در چنین مواقعی که بلای جنگ و مرض و قحطی دامنگیر آنان می شود، در این خانه در حضورت بایستند (زیرا که تو در اینجا حضور داری). و برای نجات خود به درگاه تو دعا کنند و تو دعای ایشان را اجابت فرموده، آنان را نجات دهی.

<sup>۱۰</sup> حال ملاحظه فرما که سپاهیان عمون و موآب و ادوم چه می کنند! تو به اجداد ما که از مصر بیرون آمدند، اجازه ندادی به این ممالک حمله کنند. پس سرزمینشان را دور زدند و آنها را از بین نبردند.

<sup>۱۱</sup> ببین اکنون پاداش ما را چگونه می دهند! آمده اند تا ما را از سرزمینی که تو آن را به ما بخشیده ای، بیرون کنند.

<sup>۱۲</sup> ای خدای ما، آیا تو آنها را مجازات نخواهی کرد؟ ما برای مقابله با این سپاه بزرگ قدرتی نداریم. کاری از دست ما بر نمی آید، جز اینکه منتظر کمک تو باشیم.

<sup>۱۳</sup> تمام مردان یهودا با زنان و فرزندان خود آمده، در حضور خداوند ایستاده بودند.

<sup>۱۴</sup> آنگاه روح خداوند بر یکی از مردانی که در آنجا ایستاده بود، نازل شد. نام این فرد یحزئیل بود. (یحزئیل پسر زکریا، زکریا پسر بنایا، بنایا پسر یعی ئیل و یعی ئیل پسر متنایی لایوی از طایفه آساف بود.)

<sup>۱۵</sup> یحزئیل گفت: «ای مردم یهودا و اورشلیم، ای یهوشافاط پادشاه، به من گوش دهید! خداوند می فرماید: نترسید! از این سپاه نیرومند دشمن وحشت نکنید! زیرا شما نمی جنگید، بلکه من به جای شما با آنها می جنگم.

<sup>۱۶</sup> فردا برای مقابله با آنها بروید. شما آنها را خواهید دید که از دامنه های صیص، در انتهای دره ای در بیابان یروئیل بالا می آیند.

<sup>۱۷</sup> اما ای مردم یهودا و ارشلیم لازم نیست شما با آنها بجنگید. فقط بایستید و منتظر باشید؛ آنگاه خواهید دید خداوند چگونه شما را نجات می دهد. نترسید و روحیه خود را نبازید. به مقابله با دشمن بروید، زیرا خداوند با شماست.



<sup>۱۸</sup> یهوشافاط پادشاه و تمام مردم یهودا و اورشلیم که در آنجا ایستاده بودند و در حضور خداوند به خاک افتادند و او را سجده کردند.

<sup>۱۹</sup> سپس «لاوی‌های طوایف قهات و قورح بلند شدند و با صدای بلند در وصف خداوند، خدای اسرائیل سرود خواندند. .

<sup>۲۰</sup> صبح زود روز بعد، سپاه یهودا به بیابان تقوع رهسپار شد. در این ضمن یهوشافاط ایستاد و گفت: «ای مردم یهودا و اورشلیم گوش کنید به خداوند، خدای خود ایمان داشته باشید تا پیروز شوید، سخنان انبیای او را باور کنید تا موفق شوید.

<sup>۲۱</sup> یهوشافاط بعد از مشورت، با سران قوم، دستور داد که دسته سرایندگان آراسته به جامه های مقدس تشکیل گردد و پیشاپیش سپاه برود و در وصف خداوند بسراید و بگوید: «خداوند را حمد و ستایش کنید، زیرا محبت او ابدی است».

<sup>۲۲</sup> همین که ایشان مشغول سراییدن و حمد گفتن شدند، خداوند سپاهیان موآب و عمون و ادوم را به جان هم انداخت.

<sup>۲۳</sup> سپاهیان عمون و موآب بضد سپاه ادوم برخاستند و همه را کشتند. بعد از آن عمونی‌ها و موآبی‌ها به جان هم افتادند.

<sup>۲۴</sup> وقتی سربازان یهودا به برج دیده بانی بیابان رسیدند، دیدند اجساد دشمنان تا جایی که چشم کار می کرد بر زمین افتاده و همه از بین رفته بودند.

<sup>۲۵</sup> یهوشافاط و سربازانش به سراغ جنازه ها رفتند و پول و لباس و جواهرات فراوان یافتند. غنیمت به قدری زیاد بود که جمع آوری آن سه روز طول کشید.

ما از این متن، مطالب زیادی یاد می گیریم.

آیه ۳: یهوشافاط از این خبر بسیار ترسید. تهدید واقعی و خطرناک بود. ولی او آنچه را که در چنین وضعیتی به حق و روا بود، انجام داد. او تصمیم گرفت که از خداوند طلب کمک کند.

آیه ۴: یهودا جمع شدند تا از خداوند طلب کمک کنند. (وقتی اعضای کلیسای خانگی شما با هم در یک جا جمع می‌شوند و خداوند را جستجو می‌کنند، چنین قدرت و برکتی به وجود می‌آید)

آیه ۵ - ۱۳: یهوشافاط، وعده‌هایی را که خدا به آنها داده بود، به یاد آورد. (به موضوع شماره ۳ نگاه کنید)، ما نیز می‌توانیم با به یاد آوردن وعده‌های خدا، همین کار را انجام دهیم. او هیچگاه فرزندش را رها نخواهد کرد.  
آیه ۱۴: وقتی خداوند را جستجو می‌کنیم، او ما را راهنمایی می‌کند.

امثال ۱: ۱۴

من هدایت می‌کنم و فهم و بصیرت می‌بخشم.

آیه ۱۵: گوش کن. خیلی مهم است که ما فروتن باشیم و به آنچه که خدا می‌گوید، گوش کنیم. این جنگ از آن شما نیست بلکه متعلق به خداست. او براساس وعده‌هایش در کلام خود، برای ما و به خاطر ما مبارزه می‌کند.

آیه‌های ۱۶-۱۷

ستایش و پرستش در سطحی بالا. آنها خدا را پرستش کردند و از او به خاطر پیروزی که خدا به آنها وعده داده بود و آنها هرگز ندیده بودند، تشکر می‌کنند. ولی آنها می‌دانند که اگر خدا وعده بدهد، به وعده و کلام خود عمل خواهد کرد.

اعداد ۲۳: ۱۹

خدا انسان نیست که دروغ بگوید، او مثل انسان نیست که تغییر فکر دهد. آیا تاکنون وعده

ای داده است که بدان عمل نکرده باشد؟

آیه ۲۰: این یک عبارت کلیدی است. بنابراین اگر به خدا اعتماد کنیم، این بدان معناست که به او ایمان داریم. ایمان داشتن به منظور برخورداری از یک زندگی پیروزمندانه، بسیار مهم است. (به موضع شماره پنج، یعنی ایمان، نگاه کنید).

آیات ۲۱ - ۲۴. ما ملاحظه می کنیم که پرستش، مثل یک سلاح قدرتمند عمل می کند. نباید فراموش کنیم، که ما با انسانهایی که گوشت و خون دارند نمی جنگیم، بلکه در برابر قدرتهای نامرئی مبارزه می کنیم. (موضوع شماره ۱۳: جنگ روحانی را نگاه کنید).

وقتی ما خدا را ستایش و پرستش می کنیم. در میان افراد دشمن، آشوب و پریشانی به وجود می آید. دشمن نمی تواند حضور خدا را تحمل کند.

## ۶- ایران - یک ملت پرستشگر:

یک موضوع جالب که درباره ایران گفته شده است در *ارمیا* ۴۹: ۳۴ - ۳۹ یافت می شود.

<sup>۳۴</sup> و <sup>۳۵</sup> در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا، خداوند قادر متعال پیامی بر ضد عیلام به من

داد و فرمود: «من سپاه عیلام را در هم خواهم کوبید.»

<sup>۳۶</sup> مردم عیلام را به هر سو پراکنده خواهم ساخت. طوری که هیچ سرزمینی نباشد که

آوارگان عیلام در آن یافت نشوند.

<sup>۳۷</sup> من با خشم خود، عیلام را دچار بلا و مصیبت خواهم کرد و ایشان را به دست دشمنانشان

خواهم سپرد تا بکلی نابودشان کنند.

<sup>۳۸</sup> من پادشاه و برزگان عیلام را از بین خواهم برد و تخت سلطنت خود را در آنجا برقرار

خواهم نمود.

<sup>۳۹</sup> ولی در آینده، عیلام را دوباره کامیاب خواهم ساخت.

آیه ۳۴ - برای هیچ کشور دیگری، چنین وعده ای داده نشده است.

آیه ۳۶ - امروز ایرانیان، در سراسر دنیا هستند.

آیه ۳۸ - تاج و تخت سلطنت، جایی است که در آن شما پادشاه را پرستش می کنید.

ما پادشاه خود را کجا پرستش می کنیم؟ در کلیساهای خانگی مان. وقتی دهها هزار

کلیسای خانگی در سراسر کشور ایران در حال ستایش و پرستش عیسی مسیح

هستند، این امر باعث نجات و رستگاری ملت ایران می شود. نیروهای شیطانی، همگی

فرار می کنند.

آیه ۳۹. این آیه درباره روزهای آخر « در زمان آخر » صحبت می کند. وعده های

خدا، در زمان مناسب، تحقق خواهد یافت.

بگذارید پرستش از اعماق قلب وجود شما و از فکرتان و از کلیسای خانگی شما

جریان یابد. نگذارید مشکلات باعث متوقف شدن پرستش در این سرزمین شود.

بگذارید خدا، تاج و تخت خود را در میان سلطنت و پادشاهی پارسی بنا کند.

مکاشفه ۱۹ : ۵-۷

<sup>۵</sup> در این هنگام، از میان تخت، صدای دیگری آمد که می گفت: « شما ای خدمتگزاران خدا،

کوچک و بزرگ، خدای ما را سپاس گوید و او را اکرام نمائید.

<sup>۶</sup> سپس، آوای خوش آهنگ دیگری را شنیدم، آوایی همچون سرود گروه عظیمی که طنین آن

چون امواج خروشان دریا و غرش پیایی رعدها بود، و می گفت « هلولویا، خدارا شکر! زیرا

خداوند توانای ما سلطنت می کند.

<sup>۷</sup> بیایید و با یکدیگر وجد و شادی کنیم و او را احترام نمائیم، زیرا زمان جشن عروسی فرا

رسیده است. عروس او نیز خود را مهیا کرده.

ما را در جریان نظرات خود از طریق اینترنت قرار بدهید.

خدا شما را برکت دهد.

**بارناباس**

آوازه‌ها و سرودهایی به زبان فارسی در اختیار شما قرار داده شده است که می

توانید آنها را کپی کنید.

## آزمون:

۱- ستایش و پرستش، به معنی تمجید کردن، تعالی بخشیدن و نیایش کردن با خدا، به خاطر قدرت و عظمت او و کارهای عظیمی است که انجام می دهد.

درست غلط

۲- خدا انسان را آفرید چون مشتاق دوستی معشوقش است.

درست غلط

۳- وقتی با صدای خوش آواز می خوانیم یا حالت خاصی در فکرتان ایجاد می شود، مهمترین چیز چیست؟

۴- دو روش بیان حالت در پرستش را غیر از آواز خواندن بیان کنید.

۵- حداقل دو کاری را که ستایش و پرستش، قادر به انجام آن است را بیان کنید.

۶- در کجای کتاب مقدس، درباره آینده ایران، مطالبی بیان شده است.

۷- نوح سه پسر داشت. یکی از آنها سام بود

سام پنج پسر داشت. آیا شما نام اولین پسر او را می دانید؟ (پاسخ این سؤال در پیدایش ۱۰:

۲۲، آمده است)